



۶۵۱

قربانیان استعمار در ایران

۱

xalvat.com

ابوالفضل قاسمی



xalvat.com



قربانیان استعمار در ایران

چاپ اول ، ۱۳۵۴

انتشارات روز :

تهران ، خیابان شاهرضا ، روبروی دانشگاه ، اول خیابان دانشگاه

شماره ثبت کتابخانه ملی ۱۴۴۱ به تاریخ ۱۲/۱۲/۵۴

تهران ، ایران

گفتار سرادوارد گریپس در پشت جلد این کتاب

نقل از کتاب (در داخله اروپا **Inside Europe**)

تألیف جان گونتر آمریکایی از مقاله (امیل دوگرت)

سال ۵ مجله یغما است



ز توفان حوادث عاشقان را نیست پروایی
نیندیشد نهنگ پردل از آشفتن دریا
صائب

xalvat.com

میهن پرستی و پاسداری زاد و بوم در برابر دستاها و نیرنگهای
بیگانگان بدخواه؛ پیکار و سرباختن و جان دادن در راه میهن ،
نخست وظیفه انسانهای باسرف و آرمانخواه است .
در تاریخ ما هیچ نیروی چیره گر بیگانه ، خطرناکتر و
سهمیگین تر از قدرت امپریالیسم سیاه نبوده است .
در برابر چنین دشمن نابکار و زورمند و آگاه و مجهز به همه نوع
وسایل چیرگی و بردگی ، ملت ما نیاز به جهاد بزرگ و درخشش
قهرمانان بزرگتر داشت تا بتواند دشمن را از حریم مقدس دژ میهن



دور دارد، میراث کهن و گرانبهای استقلال وطن را دست بدست
بنسلهای بعدی بسپارد.

شما در این رشته پژوهشها قهرمانانی را خواهید شناخت که
بمانند صخره صماد بر این امواج مهاجم و شکننده ایستاده اند و با حصار
سرفهای نترس و پرشور، فدیة خونهای پاک و داغ خود، دژ آزادی را
از هر گونه دسیسه و توطئه، تجاوز و تعرض حراست کرده پرچم
مجد و شرف ایرانی را در قله شکوه و افتخار، سر بلند و پایدار برپا
داشته اند.

xalvat.com

درد به روان پاک رزمندگان ضد استعمار

جاوید باد ایران



آغاز يك تاریکی وحشتناك

آبه رینال Abé Rinal پیش از استیلای فرنگیان بر نلیج فارس ؛ هرگز مهمترین مرکز این ناحیه را چنین توصیف می کند:

کف کوچه‌ها را با حصیر و در بعضی نقاط ... می‌مفروش ساخته‌اند . برای جلوگیری از حرارت آفتاب پرده‌های کتانی قشنگ در مقابل درخانه‌ها آویخته‌اند. اهالی در اطاق‌های خود گلدان‌های چینی پر از گل و ریاحین قرار می‌دهند . شترهای زیاد بامشک‌های پراز آب همیشه در میدان عمومی شهر حاضر هستند .

xalvat.com

شرابه‌های ایرانی ، عطریات و انواع فواکه و ماکولات بحد وفور در اینجا یافت می‌شود . و خلاصه آنکه تمول و ثروت و تجارت و ادب و



تجارت باهم متفق شده این شهر را مرکز سعادت
 و آسایش ساخته است (۱) . xalvat.com

و شاید هم بدینجهت بعضی ریشد واژه هرمز را پر تعالی واز
 Or Mucho هورمچو (طلای زیاد) می دانند

ولی هرمز مثل پرتاوس ایران بود ، (دشمن طاووس آمد پیرا و...)
 هرمز مهمترین کانون نظامی و تجاری جهان و مرکز همه سوداگری
 های باختر و خاور می بود ، البو کرک پس از شرح موقعیت سیاسی
 تنگه های آبی جهان می گوید (هر کس مالاکا ، عدن و هرمز را
 داشته باشد فرمانروای همه جهان است ۲)

تجارت هرمز از مجموع بازرگانی لندن و آمستردام بیشتر
 می بود، چنانچه امروز هرمز (عامل توازن سیاسی) این منطقه است
 اهمیت نظامی و استراتژیکی و بازرگانی و ژئوپلیتیکی آن ابر قدرتها
 را نگران کرده است ، فقط روزانه بیش از ۲۳ میلیون بشکه
 نفت از این تنگه می گذرد^۲ و ۱۸۰ میلیون دلار از این کلوکاه عبور
 می کند .

۱ - خلیج فارس . ویلسون ۱۱۹

۲ - تاریخ هرمز و ملوک آن . احمد توکلی (کاوش شماره ۵

شهریور ۱۳۴۱)

۳ - خلیج فارس ، ویلسون ۱۱۶-۷۹



بدنبال فرو رفتن آفتاب قدرت بیژانس ، ژبونی باجالی و ناتوانی و نیزهها درست در روزهاییکه ایران فتودالیتہ بستر نقاحت را ترك می کرد و ما در حال تکوین نیروی متمرکز سیاسی صفویان بودیم، دو برادر همکیش ایران و عثمانی نافهمانه پنجه در پنجه افکنده بودند و درست در سالهای اول دهه دوم سده دهم که قهرمان استقلال ایران شاه اسماعیل مشغول کندن گور فرمانروائیهای جدا جدای محلی در ایران می بود، ناگهان صاعقه مرگ و نیستی استعمار بر خلیج تاخت (با آتش زدن خانهها و حتی مساجد ، چپاول و تاراج مردم و بریدن گوش و بینی و کشتار) چیرگی بسداد گرانه خود را بر این نقاط اعمال کرد .

xalvat.com

توفان آغاز می شود

اینان کی بودند : باربارها، تاتارها، مغولها، عربها . نه اینان

۱ - اسرار عقب ماندگی شرق ۱۳۶

روزنامه الانوار چاپ بیروت، مصاحبه شاهنشاه آریامهر (روزنامه های دوشنبه ۲۴ شهریور ۱۳۵۴ تهران) ، دریانوردی ایرانیان جلد ۲ صفحه ۵۸۱ تأثیر سلطنت پادشاهان سلسله صفویه در اوضاع ایران (رساله پایان نامه دانشگاهی ابوالحسن پرویز ۱۳۳۱) کتا بخانه درکری، مرکز اسناد دانشگاه تهران .

۳ - خلیج فارس ۸۰



با اصطلاح پیگهای صلح و آرامش، کبوتران تمدن و آزادی باختر بودند که با يك واژه بزرگ و دروغین (استعمار) و بدعوی اینکه می آیند برای آبادی سرزمین های دور از تمدن بکوشند ، برخاور ساختند . و حال آنکه طبق نظریه تاریخ نویس بزرگ جهان ویل درانت : در این موقع مسلمانان (با قدرت دیوهای افسانه ای به نو ساختن و آباد کردن ادامه میدادند در افریقای باختری اسلام بساط حکمت و دانش را پهن کرده بود) این بود وضع ما در سر آغاز تلاش استعمار که بقول خود آنان (کف کوچه ها مفروش از حصیر و قالی ، خانه ها پر از گل و شادی ، تمول و ثروت ، تجارت و ادب و نجات آنجا را مرکز سعادت و آسایش کرده بود) که ناگهان آتش بیرحم استعمار خرمن هستی ما را خا کبستر کرد و بعد بر روی این خاکسترها (بناهای مطلقاً) ساختند ، ولی ایوان های زرینی که از آن بوی خون انسانهای بیگناه و حق طلب استشمام میشد . xalvat.com

این آغاز يك تاریکی و حشتناک می بود که به دست يك عنصر

خودکامه و بیرحم بنام (الفونسو دو آلبو کرک Alfonso De Albuquerque) انجام گرفت که این کارها اگر از نظر ما جنایت نام گرفت از دید پاپ (خداوند فتح خاوری بود) این چنین

۱ - تاریخ تمدن جلد ۲ (اصلاح دین) صفحه ۳۵

۲ - تاریخ سیاسی خلیج فارس ۱۰۳



نخست خشت شوم بنیان استعمار در خلیج فارس و قلمرو ما نهاده شد .
 آلبو کرک هر مز را مرکز عملیات خود قرارداد و به استحکامات
 عظیم افسانه‌ای نظامی در این جزیره ساخت، هر مز را مجهز به همه نوع
 وسایل نظامی انبار و ابزار جنگی کرد ، دژ استعمار هر مز رادیواری
 به عرض سی ذرع با سنکرها برج و باروهای مهندسی نظامی حفاظت
 می کرد .
 xalvat.com

دسایس استعمار از این کانون بنای اشاعه را نهاد ، چون یک
 مرکز عفونی در تمام شریانیهای حیاتی و راههای دریائی به فساد و
 تباهی پرداخت . بنادر و جزایر پایگاههای یکی بعد از دیگری از پای
 درمی آمدند ، بزیر سیطره استعمار کشیده میشدند .

شاه اسماعیل که مشغول تکوین حکومت مرکزی صفوی
 می بود با آنهمه گرفتاریهای درونی و بیرونی به استعمار هشدار داد
 که این کار برخلاف حق و آزادی است ولی امیر البحر مغرور باختر
 ندهنها وقتی بداخطار شاه صفوی نگذاشت ، بلکه او را تهدید بتصرف
 سایر پایگاههای خلیج کرد^۱ .

در اندک مدتی (البو کرک چنان تسلط جابرانه بر هر مز یافت
 که اهالی بدون اجازه او حق تجارت و سفر دریائی نداشتند) ولی

۱ - بحرین و جزایر و سواحل خلیج فارس ... عباس اقبال ۵۹



چون ایرانیای (هرمز را جز لاینفک کشور ایران میدانستند^۱) این نظام سیاه استعمار به آسانی مستقر نشد و آکنشها و بازتابهای موضعی و محلی جدا جدا صورت می گرفت، چنانچه در یک شبی خون شصت نفر پرتغالی قتل و عام شد و در شورش دیگر گروه زیادی را کشتند، رئیس دارالتجار پرتغال را در بحرین به دار آویختند .

(پیرک درینادار^۲) ماجراجوی بیبک و ضد استعمار با تمام نیروی رزمندگی و چابکی دریائی خود علیه استعمار گران قیام کرد عرصه را سخت بر باختریان تنگ ساخت ، ولی مسلمانان بجای تقویت او با ذرنگ ناهممانه این مانع بزرگ را از راه بیداد گران برداشتند، او را در دربار با بعلالی سر بنیست کردند .

استعمار گران از فرصت در گیری پادشاهان صفوی بامهاجمان عثمانی و آسیای مرکزی بهترین استفاده را کردند ، نظام سیاه فرمانروائی باختر را بر حساسترین نقاط خاور (گلوگاد شرق) تحمیل نمودند، چکمه های نیروی استعمار و استثمار خود را بر گلوی ما بفشردند .

اما همینکه نیروی صفویان تکوین و تحکیم کامل یافت ، پادشاهی ایران به شاه عباس رسید ، وی پس از نوسازی ارتش ، تدارک

۱ - اسناد مصور اروپائیان از ایران ۴۰

۲ - تاریخ سیاسی خلیج فارس ۱۱۲



سیاسی و نظامی تصمیم به برانداختن نیروی استعمار در خلیج گرفت، در فرمان (۹ صفر ۱۰۳۱) خود را به امامقلی خان (پسرالاهوردی خان) فرمانروای بزرگ و جنگاور خود در جنوب چنین نوشت :

« مغرب حضرت سلطان امامقلی بیگلربیک فارس دانسته باشد بمرض پایگاه سریراعلی رسیده بود که فرنگیان پرتغالی پا از گلیم خود بیرون کرده اند و با منسوبان این دولت عاقلانه رفتار نمی نمایند و بخودسر و بی رخصت همایون بقلمه سازی پرداخته اند راه خلاف و نفاق میروند و دستورهای والی لار را که از جانب ما صاحب اختیار آن نواحیست به چیزی نمی گیرند . پس لازم آمد که بیخ فساد این زشتکاران هر چه زودتر کنده شود، تا هم کسانی که به چیزها و بندرهای خلیج فارس چشم دوخته اند بجای خود بنشینند ، و هم این درخت فتنه بخشکد و نیست و نابود گردد .

xalvat.com

کاردانی و لیاقت آن خانه زاد صدیق باعث شد که چنین مهمی خطیر را به عهده کفایتش واگذاریم و دفع این آشوب را از او بخواهیم و یقین کامل داریم که تربیت یافته و برگزیده ما در انجام دادن فرمان مطاع شرایط خدمت و شاه پرستی را چنانکه شاید و باید بجا خواهد آورد .

کلب استان علی شاد عباس الحسینی
الموسوی صفوی بیتادرخان فی التاسع من -



شهر صفرالمظفر سنه احدى و ثلاثين
و الف من الهجرة النبويه على هاجرها
آلاف التحية ١

xalvat.com

نخست رزمنده ضد استعمار

پدر امامقلی خان ، اللهوردی خان سردار بزرگ صفوی از دیر زمان در این آرزوی تباد بزرگ می بود که بساط ستمکارانه پرتغالیان را در جنوب فروچیند ، نخست پیکار ضد استعماری در خلیج بوسیله او آغاز شد، بحرین و قشم از وجود اشغالگران باختری پاک گردید . فیلیپ سوم پادشاه اسپانیا و پرتغال که با شاه عباس روابط خوبی داشت بارها از او خواست بحرین را به او بازگرداند، ولی پادشاه پاسخی نمی داد .

اللهوردی خان بوسیله پسرش میخواست دامنه این فتح ملی را را گسترش دهد ، (جرون) مورد حمله قرار گرفت ولی این نبردها فقط فرعی و محلی و جنبی بود شاه که سخت گرفتار حملات همسایگان کیشی از خاور و باختر می بود گشایش جبهه جنگ نوئی را در جنوب صلاح میدانست .

ولی حال که ازبکان و عثمانیان قلع و قمع شده اند شاه عباس تصمیم



می‌گیرد به آرمان بزرگ انجام نیافته سردار متوفای خود بدست
پسر آن سردار، امامقلی خان که جای او نشسته است جامعه عمل
پیوشاند .

امامقلی خان که بعد از پدر ، از دیر زمان در اندیشه رزم آوری
و دست و پنجه خوردن بادشمنان ایران می‌بود و احساس میکرد ،
فروگرفتن استعمارگران و بیرون راندن بیگانگان از حریم امنیت
وطن و آبهای ایران تا بچه‌حد درشادی و آرامش روان بزرگ پدر مؤثر
خواهد بود، وقتی فرمان شاه را دید آنرا چون برگ مقدسی بر روی
دیده نهاد .

xalvat.com

نخست خود فروش وطنی

پر تغالیها بجهت نیروی برتر دریائی زودتر از سایر غریبان و
انگلیسها به هند و خلیج فارس راه یافتند ، برای خود پایگاههای مهم

۱ - **اللهوردی خان** قوللر آقاسی (رئیس غلامان شاهی) را شاه عباس
بسیار گرامی میداشت، این همان شخصیت برتر صفویان است که در آبادی
اصفهان بسیار کوشید، پل اللهوردی خان و بنیاد فرهنگی خان از کارهای اوست .
بوسیله او و کمک مستشاران انگلیسی ارتش ایران نوسازی شد . او باشکوه و
ارج بزرگی بمرد . او را در جوار امام هشتم در مشهد بخاک سپردند، جایگاه
معروف (گنبد اللهوردی خان) در صحن آستان قدس رضا (ع) تربت آن سردار
ضد استعمار است .



نظامی و تجاری برپا داشتند ولی رویه بیدادگرانه آنان در اندک مدتی نفرت عجیبی از مردم خلیج در آنان ایجاد می کند؛ چنانچه تیغزیرا که مقارن این سالها باین نقاط آمده است از این نفرت یاد می کند .

xalvat.com

انگلیسها که بعد از پرتغالیها باین نقاط رسیدند از اسنادیکه در ۱۵۸۷ از کشتی پرتغالیها بدستان رسید به اهمیت این دهلیز بزرگ پی بردند . برای شناخت بیشتر این نقاط ، چهار جهانگرد سیاسی بنامهای رالف فیتخ، جان نیوبری ، ویلیام و جیمز استوری را به این منطقه فرستادند . ولی آنان پیش از آنکه کاری انجام دهند بوسیله پرتغالیها بازداشت و از خلیج بیرون فرستاده شدند . فیتخ سفرنامه جالبی از این مأموریت خود دارد. انگلیسها از پا ننشستند برای نقشه‌هایی که داشتند از راه بازار گانی و سوداگری بسراغ صفویان آمدند. بدنبال سفر سر تماس رو از سوی جیمز اول بسال ۱۰۲۱ هـ . ق (۱۶۱۲ م .) به اصفهان، مأمور کار آمد و توانایی بنام ادوارد کونوک را در پنج سال بعد (۱۶۱۷ م .) به ایران راهی کردند، او در شیراز و اصفهان تجارتخانه برپا کرد .

نژاد انگلوسا کسون نژاد اندیشمند ، زیرک، پرفن و از سویی

۱ - مقاله اسماعیل رائین از کتاب (اوضاع سیاسی و اقتصادی خلیج

فارس) روزنامه ناخدا ۲۷ اردی بهشت ۱۳۲۶



بردبار و شکست و باحوصله هستند از اینرو برای پی ریزی نیروی سیاسی خود و بیرون راندن پر تغالیها ابتدا بتمشکیل يك سازمان گسترده در ایران پرداختند از راه تحریک و آتقریک و خرید وجدان و ایمان ، خود فروشانی چند ، بجنگ دشمن رفتند .

امور بازرگانی شیراز را مردی بنام واترز اداره می کرد که مردی بغایت نیرنگ باز و خدعه گر و آگاه به رموز جاسوسی و خرابکاری بود .

xalvat.com

در اینروزها جوانکی بنام یوسف ارمنی در دستگاه امامقلی خان کار می کرد که شخصیت او بسیار مورد توجه حکمران می بود . واترز این شکار را زیر نظر قرار میدهد و شن دانگ حواس خود را متوجه او برای نقشه های خود می کند .

به واترز آموخته بودند که آساترین راه نفوذ در افراد تحریک حس آز و پولپرستی آنهاست ، وی از این راه یوسف را می فریبد و بیه خدمت میگیرد او اینچنین به دژ استوار بیگلربیگی فارس راه می یابد . واترز در گزارشات مجرمانه و سیاسی خود به مقامات انگلیسی از این شخص نامبرده است هربرت وود Herbert wood در کتاب (سر نوشت هند) خود این گزارشات را نوشته است .

وود در نامه ای که سه شنبه بیستم مارس ۱۶۲۱ م . به (سروان - جان ودل) Johan veddel مانده ناوگان انگلیسی مینویسد چنین آغاز سخن میکند :



و دوست عزیز نزدیک سه ماه است که دوباره بشپزار
آمده‌ام و اکنون آشنایان بسیار دارم از ایشان یکی
یوسف ارمنی ساقی امامقلی خان است که هر روز خبرهای
تازه می‌آورد .

xalvat.com

دیروز میگفت خان از طرف شاه مأمور شده
است که با پرتغالیها بجنگد. حسین خان و بیگ وردی
پیش از او بخلیج خواهند آمد؛ این دو صاحبمنصبانی
کار آزموده و دلیرند و بیشک در پیشرفت سپاه ایران
تأثیر بسیار دارند . ببینید عاقبت پرتغالیهای نادان
در این بازی باختند و نتوانستند با ایرانیان چنانکه
باید رفتار کنند. پس بر ماست که وقت را غنیمت بشمریم
جناب روی فریر * امیرالبحر پرتغالی را که در
خلیج فارس بزرگی می‌فروشد بدست ایرانیان در این
آبها غرق کنیم و بدوستان قدیم خود بفهانیم که اگر
بمشق هندوستان در گوشه و کنار کمین کرده‌اند در
اشتباهند بازی امروز که اقبال با ایشان سرچنگ دارد
ما باید خدمتگزاری خود را با ایرانیان عرضه کنیم
و بهر وسیله‌ای که ممکن باشد در این جدال شرکت
جوئیم (۰۰۰)

چه بودیم چه شدیم!!!

اجازه بدهید دنباله این گزارش را که شناخت روحیه ایرانی از

* روی فریر ردا اندراداد Ruy Friere da Andradad



يك گزارشگر کار آزموده انگلیسی است بنویسیم تا به بینید ایرانی چه بوده و بعد استعمار او را بچه روزی در آورده است .

و در این جا از تجربه‌هایی که در مدت اقامت شیراز و اصفهان بدست آورده‌ام سطری چند بنویسم تا بیدار و آگاه باشید و ملت عجیب ایران را اندکی بشناسید.

ایرانیان وقتی قادرند بهیچ چیز قانع نیستند و پادشاهی روی زمین را کوچکترین پاداش دل‌آوری خود می‌پندارند پس با چنین مردمانی جز به ادب و فروتنی سخن گفتن از خامیست، خان ایران نواب یاراجه هندوستان نیست که زود فریفته شود و گول بخورد برای بدام آوردن يك دهقان این سرزمین هم نباید دقیقه‌ها و نکته‌های فراوان بکار برد . چرا که میان ایرانی سیاه‌چشم و هندوستانی سیاه پوست تفاوت از زمین تا آسمانست ؟

xalvat.com

زن و مرد ایرانی دست‌باز دارند مسرف و مبدزند و بفکر فردا نیستند و سیم‌وزر را برای خرج کردن و خوش گذرانی می‌خواهند نه پس انداختن و نفع بردن ، پس چنانکه ما انگاشته بودیم پول دل نمی‌بندند زیرا ملتی که نتواند پول را نگاه دارد باسانی از آن می‌گذرد . من خود بیش از صد بار شنیده و بکرات دیده‌ام که در ایران يك روزه گدائی توانگر شده و مال‌داری تنگدست گشته است .



کسی که امروز خانه و باغ و بوستان و
کنیز و غلام دارد، ممکن است فردا بنان شب‌محتاج
باشد. چنین مرد دارنده‌ای که بینوا میشود با يك
عالم صبر و تحمل بار سختیهای زندگی را میکشد و
بقیه عمر را در محنت درویشان بخواندن شعر و دعا
میگذراند. درمان آن تَبذیر و اسراف این تسلیم و
رضاست، خلاصه نمیتوان دانست که قدر و ارزش سیم و
زر نزد این قوم تیزهوش عشرت‌طلب چیست!

ولی خواهیم دید استعمار چه بر روز این ملت آورد که يك قرن
بعد نوشتند (پول معبود ایرانیست^۱).

و اثر زسپس در تأثیر رهبران و پیشوایان حزب در جامعه ایرانی

xalvat.com

چنین مینویسد :

(ملت ایران در کف شاه بقلام نقاش میماند که
با آن صورت فرشته و شکل دیو هر دو میتواند کشید ،
اگر صورتگر استاد زبردست باشد آفریده قلمش
بکمال هنرمندی آراسته است و اگر دستی لرزنده شود
ناچار هر چه رسم کند ناخوب و نادرست خواهد بود.
باری اکنون که شاه ایرانیان را بترقی رهنماست
میخواهد کشتیهای پرتغالی را از آبهای شلیج فارس



بیرون کند و مسائیز باید گوشه این کار را در دست
بگیریم و پرتغالیها را بوطن عزیزشان روانه کنیم... (۱)

xalvat.com

بزرگ نبرد ملی

هر گاه درهزجا در رأس يك نظام سیاسی افراد میهن پرست
جا گیرند دشمن با همه نیرو، نقشه و اندیشه، زیر کی و خدعه گری
نمی تواند کاری از پیش ببرد.

در بزرگ نبرد ضد استعماری ایرانیان چون فیلیپ سوم با
انگلستان روابط دوستانه داشت انگلیسها بظاهر خود را بی میل
باینکار نشان میدادند ولی دولت ایران باین ملت سودا گرا ولتیماتوم داد.

(اگر انگلیسها در جنگ ایران و پرتغال
به پادشاه یاری و همکاری نکنند تمام ابریشمی که در
ایران دارند توقیف خواهد شد و امتیازات تجارتمی که
از پیش گرفته اند از میان خواهد رفت^۱.)

شاید هم این ظاهر کار می بود که انگلیسها میخواستند و نمود
نمایند آنان با جبار بدین جنگ کشانده شدند. بهر حال با این تمهید
پس از صلح شاه عباس با عثمانیان، به سال ۱۰۳۰ قراردادی بین ایران و
انگلیس بسته شد و بر بنیاد آن مشترکا بعملیات نظامی پرداختند.

۱ - مجله مهر شماره ۶ آبان ماه ۱۳۱۲ صفحه ۴۵۰ - در راه هند

شادمان .

۲ - خلیج فارس : احمد اقتداری ۱۰۸



شورائی به ریاست توماس روستنل در لندن تشکیل گردید
بر بنیاد این موافقت کشتیهای انگلیسی تحت فرماندهی کاپیتان
بلایت ، کاپیتان جان ودل رهسپار خلیج فارس شد .
نقشه و قصد سیاسی اصلی انگلیسها در اینکار جایگزین کردن
قدرت استعماری خود بجای قدرت پرتغالیان بود .

(نوشتجاتی که از این تاریخ در دست است
تأیید می نماید چنانکه یکی از وکلای معتبر شرکت
هند شرقی در موقع عهدنامه با شاه عباس (۱۰۳۰)
برای بیرون نمودن پرتغالیها از جزیره هرمز که
انگلیسها را در خلیج فارس دارای بعضی حقوق می نمود
نوشته فتح هرمز برای انگلیس مترتب فایده نمی شود
مگر آنکه جزیره مذکور بکلی در تصرف انگلیس
آید مخصوصاً که شاه عباس مانع است که مادر هرمز و
در سایر بنادر خلیج فارس استحکامات برپا کنیم)

xalvat.com

بهانه جنگ دعوی قنبر بیک بر حاکمیت جزیره بود که
سیمون دوبلو به ایران جواب سربالاداد، قوای ایران به سرداری
امامقلی خان جنگ را بایر تغالیان آغاز کرد. حملات برق آساز بازان
ایرانی پرتغالیان را تارومار کرد، راه هزیمت پیش گرفتند . سیمون
دوبلو در حین شکست از درآشتی و پذیرش خسارات جنگی در آمد



ولی امامقلی خان سردار آشتی ناپذیر ما میخواست آزمندان چشم آبی و موبو فرنگی را چنان مالش دهد دیگر بفکر دست اندازی به ایران نیفتند. در ۱۱ جمادی الثانی ۱۰۳۱ (۲۳ آوریل ۱۶۲۲) بقول مورخ صفویان (قلعه رفیع هرمز... مسخر اولیای دولت ابد پیوند گردید) خزائن و انبارهای پرتغالی ها که بالغ بر بیست و دو میلیون اکوی اسپانیائی بود) باهفتاد عراده توپ بدست سپاه ایران افتاد این توپها تا به زمان شاه سلیمان در میدان نقش جهان اصفهان برای نمایش نهاده شده بود^۱. در این بزرگ نبرد ضد استعماری عناصری چند که حلقه نوکری استعمار را بگوش کرده بودند به دشمن کمک می نمودند، بدستور سردار ایرانی دستگیر شدند و بوضع بدی بسزای خیانتهایشان رسیدند. اینسان بادست جوانان رزمنده ضد استعمار و بانوغ بزرگ سردار آشتی ناپذیر ایران به ماجرای دو قرن چیرگی بیدادگرانه باختریان در حریم ایران پایان داده شد.

xalvat.com

مسئول شکست

انگلیسها که پس از بنیاد کمپانی هند ۱۶۰۰ م. (۱۰۰۸ ه. ق) دسایس استعماری خود را باحسابگری و اندیشمندی آغاز کرده بودند بهنگام تصمیم همکاری نظامی با ایرانیان دو طرز تفکر وجود داشت



گروهی این نبرد را بزیان استعمار باختر میدانستند دسته‌ای به رهبری ادوارد مونو کس نماینده کمپانی در ایران معتقد بودند این جنگ از اینجهت موفقیت آمیز می‌باشد که ما با بیرون راندن پرتغالیان خود جانشین آنان در خلیج خواهیم شد، از اینرو انگلیسها به اصرار مونو کس وارد جنگ شدند^۱

xalvat.com

ولی همینکه قوای ایران بر خلیج مسلط شد، اختیار هرمز را بدست گرفت، چون امامقلی خان دست مونو کس را خوانده بود کوچترین آوانس به انگلیسها نداد، از همان آغاز دست انگلیسها را از حریم ایران کوتاه کرد.

بعد از گشودن هرمز وقتی امامقلی خان خواست سایر پایگاههای دریائی را از وجود استعمار گران پاک کند انگلیسها قوای خود را عقب کشیدند تا طبق سنت دیرین خود، با گرفتن امتیازات جنگ را ادامه دهند آنان درخواست واگذاری تمام جزیره هرمز و نصف عایدی گمرکی و حق نگهداری چهارجهاز جنگی کردند ولی امامقلی خان که نمیخواست بعد از راندن پرتغالیها قوم عیسوی دیگر در هرمز جایگیر شود، همان اوضاع و احوال سابق تجدید گردد، از مساعدت انگلیسها چشم پوشید^۲ با نیروی پیشتاز خود به سایر

۱ - خلیج فارس، ویلسون ۱۱۲

۲ - ... بحرین و جزایر و سواحل خلیج فارس : عباس اقبال ۹۱



جزایر و پایگاهها تاخت آبهای خلیج را از دشمن پاک ساخت .
 انگلیسها بهر درزدند از هر راه وارد شدند تا شاید دستی بر
 کرانهها و پایگاههای خلیج بند کنند نتوانستند ، هیئاتی به ریاست
 سراندرکت تم یکی از لردهای بریتانیا و سیاستمداران لندن به ایران
 فرستادند تا بر هر مز دست یابند کاری از پیش نبردند^۱ حتی انگلیسها
 کوشیدند شاه عباس را راضی کنند تا جزیره هرمز را بصورت اجاره
 به آنها واگذار نماید، در واقع جایگزین پرتغالیها شوند ولی موفق
 نشدند^۲) از اینرو (انگلیسها رو بهمرفته در این معامله بکلی خود را
 خاسر و مغبون دیدند^۳) .
xalvat.com

دیپلماتهای لندن و کمپانی هند از نتیجه عملیات نظامی بسیار
 عصبانی شدند زیرا هم پرتغال را از خود رنجانده و هم خود سودی
 نبرده بودند بطوریکه این شکست کار را بجائی رسانید دولت وقت در
 پارلمان انگلیس مورد استیضاح قرار گرفت ، ادوارد ونوکس
 رئیس کمپانی از کاربر کنار به لندن احضار شد ، نزدیک بود دولت
 انگلستان شرکت هند شرقی را بجرم این اقدام خودسرانه محکوم
 سازد^۴) .

۱ - تاریخ سیاسی خلیج فارس ۱۰۸

۲ - تاریخ سیاسی خلیج فارس : صادق نشأت ۱۰۳

۳ - خلیج فارس ۱۱۵

۴ - زندگی شاه عباس ۲۳۸



امامقلی خان که شاید آنروز بهتر از همه اندیشه استعماری انگلیسها را خوانده بود با سرعت عجیب نفوذ سیاسی ایران را در خلیج و جنوب گسترش داد بطوریکه (سراسر خاک فارس و کوه کهلویه و لارستان و بنادر جنوب از بندر جاسک تا شط العرب و تمام جزیره های خلیج فارس در قلمرو حکومت امامقلی خان قرار گرفت^۱)

هر چه راه آنها، بندرها، گلوگاهها و دهلیزهای نظامی جنوب علیه استعمار استوار میشد نفوذ ضد استعماری ایران گسترش مییافت دشمن از فعالیت و اندیشه امامقلی بیشتر عصبانی میشد، او را عامل شکست میدانست بطوریکه صدای فشردن دندانهای خرس جنوب بگوش میرسید. در همین اوان است که استعمار در نامه تشکر آمیز خود از ریشارد استیل شاه عباس را چنین تهدید می کند (اگر از طرف دولت ایران حق تجارت انحصاری به ملت دیگری داده شود انگلیسها جبراً به قوای قهریه متوسل در نتیجه آرامش خلیج فارس مختل خواهد شد^۲)

xalvat.com

شناخت جانبول در سیصد و شصت سال پیش

بنابراین نخست پرونده ای که در دواینک استریت علیه ایران

۱ - لغت نامه دهخدا ، ال - ای صفحه ۱۴۳

۲ - تأثیر سلطنت پادشاهان سلسله صفویه در اوضاع ایران

(پایان نامه خطی دانشگاه تهران ۱۳۳۱ صفحه ۱۴۰)



تشکیل شد پرونده امامقلی خان سردار جنگاور و با ادراک ایران
بود . xalvat.com

امامقلی خان نخست کسی بود در لیست سیاه دشمنان استعمار
جای گرفت، حکم معفو و نابودی او صادر گردید .

شاید هم شاه عباس در این مورد نرمش و سوپاس داشت ولی
سردار او که بخوبی انگلیسها را شناخته بود شاه را از فریب خوردن
آنان هشدار می داد ، در حقیقت خان بزرگترین سنگ راه استعمار
می بود ، این گزارش سردار بزرگک ضد استعمار ما به پادشاه صفوی
انگلیسها را شناسائی می کند، ماسک از چهره مخوف (جانبول *)
کنار می زند .

(به انگلیسها به این قوم منفعت خواه اعتماد نمی توان کرد، زیرا
بر ضمیر منیر شاهنشاه ایران ... پوشیده نیست که وقتی کسی حق
دوستی قدیم شناسد و همدینی را نادیده بگیرد و بر سر ریشه و ساقه
درختان هندوستان عهد بشکند بیشک با دیگران هم خواهد کرد .

راست می گویند که انگلیسها در لباس بازرگانی بکشورگیری
آمده اند و گرنه تاجر و سوداگر را با سپاهی و توپ و تفنگ
چکار !!

در چند سطر پائین تر میافزاید :

* John Bull لقب ملت انگلیس



(شکر خدا را که بیماری طالع همایون
 شاه دشمن از میان رفت و خاک این سرزمین از لوث
 وجود خارجیان پاک شد ولیکن پوشیده نباید داشت
 که انگلیسی بطمع ناچیزترین نفعی از دوستی میا
 خواهد گذشت. باین سبب غافل بودن و او را درآمد و
 رفت آزاد گذاشتن از حزم و احتیاط دوراست و نیز
 همراهیش را فایده چندانی نیست که از آن نتوان
 چشم پوشید هم از این صحبت چند روزه خسانه زاد
 دریافت که از انگلیسها نفع بی ضرر توقع
 داشتن دلیل خامی و ناآزمودگیست پس از
 نیش و نوش آنها هر دو بر کنار بودن بهتر
 که سعدی گفته است : نیرزد عسل جان من
 زخم نیش ...)

xalvat.com

واترز بوسیله (یوسف ارمنی) پیشخدمت ویژه امامقلی خان
 و جاسوس استعمار از مضمون این نامه آگاه شود به ریچارد بلایت
 در این مورد چنین مینویسد :

(عزیزمن بارها نوشته‌ام و باز مینویسم
 که بخواندن چند ورق سیاحتنامه و سه چهار جلد
 تاریخ نمی توان ملتی راشناخت، هموطنان ما غافلند
 از این مردم زیرک هوشمند که بزبان چرم و نرم
 هر کسی را فریفته اند، درمراسله‌یی بمن نوشته که
 پذیرائی سه‌سالار و گفته‌های دوستانه او نشان محبت
 است و دیگر در بیگانگی و اتفاقی با ما جای هیچ‌شک



استعمارگران نخست دست اندازی خود را به کرانه‌های ایران

بررسی می‌کنند . xalvat.com

(البو کرک با فرماندهان خود)



و شبهه نیست (جان و دل) ظاهر بین ساده لوح هنوز
 • معنی لبخندهای دلبذیر و سخنان گرم ایرانی را که
 دزد و عقل و هوشست نمیداند که چیست ؟ همین
 امامقلی خان دوست نمای شیرین کلام که رفیق ما را
 در اشتباه انداخته عریضه بی‌شاه نوشته در آن از راه
 لطف و مرحمتی که بنژاد انگلوساکسون دارد شما و
 جان و دل و من و همه انگلیسها را بیک حشره تشبیه
 کرده است ! بگفته او بزنبور می‌سازیم که بی‌نیش
 نوش نمیدهیم ، از گفتار سعدی شیرازهم در عریضه
 خود مصراع گنجانده است شاعر میگوید نوشیدن
 عسل بزخم نمی‌ارزد و مقصود امامقلی خان هم آنست
 که ایرانیان باید از نفع انگلیسها بگذرند تا بسوزنیش
 گرفتار شوند .
xalvat.com

من هرچه در این عقیده هست تفکر کردم
 عظم نرسید و آخر ندانستم بکدام سبب ما را چنین
 پول دوست و بیوفامی پندارند .

باری آنچه را نوشتم بازبچه مگیرید ، سردارنمای
 ایران ، بیگلر بیگ فارس ، فاتح هرمز یعنی امامقلی
 خان باما سرسازگاری ندارد . پس اگر چاره جوئی
 نکنیم و گفته‌های او را بی‌اثر انگاریم سخنش کم‌کم
 ریشه میدواند و فکرش در قلبها نفوذ میکند و عاقبت
 بر مشکلات کارما می‌افزاید و روزی از غفلت خود
 پشیمان خواهیم شد که ندامت را هیچ فایده نباشد...



خفتگان شرق!

فرمانروایی‌های مطلق، رژیم‌های فردی دارای زیانهای انسانی زیاد است ولی در این زمان که ما بیش از هر نمود سیاسی نیاز به تمرکز قدرت داشتیم بیشک درک عمیق و احساس مسئولیت سترک زمامداران ایران و وجود اندیشه‌های سازنده و پر ژرف ملی عامل مهمی می‌بود که در استقلال ما را از کیدهای استعمار و نفوذ های بیگانه پاس داشت.

xalvat.com

هندوستان سرزمینی پهناورتر از ایران و دارای فرهنگ بارور می‌بود ولی سوگمندان از راجه و نواب گرفته تا گوشه گیران خود آزار و دانیان قوم همه به کارهای غیر سازنده می‌پرداختند، دروازه‌های وطن را بر روی دشمن نابکار گشوده بودند، آنهم دشمنی خطرناک که هدفش جز استعمار و غارتگری و بردگی انسانها نمی‌بود.

پرتغالیها نخست باختریان استعمارگر، کار خود را در هند با تصرف گوا آغاز کردند و بساختن دژ و پناهگاه نظامی پرداختند.

جهانگیر میرزا پادشاه هند و وزیر قدرتمند و آصف خان بجای اینکه بمانند شاه عباس و امامقلی خان تصمیم به بیرون راندن استعمارگران بگیرند در ۱۱ ژانویه ۱۶۱۳ رسماً اجازه فعالیت به کمپانی هند دادند.

پرتغالی‌ها از این نرمش سوء استفاده کردند دژهای مستحکم



بمانند (هوگلی) ساختند؛ باینکه شاهجهان کوشید بعد از جهانگیر میرزا نفوذ تازه پا گرفته غریبان را از هند براندازد، اختلاف میان فرزندان او و تقسیم قلمرو و حکومتش به خودمختاریهای جداگانه فرصت بیشتر به بیگانگان داد تا در گسترش عمقی و نفوذ خود در هند بکوشند. در این روزها بیگانگان شبه قاره هند، در برابر خود نیرویی نمیدیدند راه را برای پیشروی باز یافته بودند بنابراین بحکم این منطق سیاسی پیش می‌تاختند:

xalvat.com

فقیه شهر بگفت این سخن بگوش حمارش

که هر که خر شود البته می‌شوند سوارش

دانیان قوم بمانند کرامتعلیشاه و رام پرساد از آسمانها نیرو می‌طلبیدند تا دفع شر ا جانب بکنند، شیخ آله آبادی و سید دکنی و یارانش درهای اجتماع را بروی خود بسته بر سر و کول هم میکوبیدند که آیا مخنث شرعاً می‌تواند بازن رابطه داشته باشد یا نه. (هسل یجوز للخصی ان ینظر ائی المرؤه...)

سید پیشاوری طشتی زو بروی خود نهاده به جن گیری و دیسو بندی مشغول بود؛ غافل از اینکه وحشی ترین دیوهای تاریخ جهان دارد بسرعت بند بردست و پای همه هندیان می‌نهد.

راجه عشق زده در دام استعمار

مهارا جی زادگان چنان غرق عیش و نوش بامه رویان پری نیکر



و سیمین تن بودند که گویی در سرزمین آشوکا هیچ خبری از زشتی و پلیدی و نابکاری نیست و حال آنکه سر تا سر هند در آتش نفاق و دسته بندی، شورش و هرج و مرج میسوخت.

البته استعمار در تدارك تمام این دامها و تله‌های نقشه نبود، نواب دوست محمد خان راجه کلکته جوانی سبک مغز و هوسران بود مراقب الملك و زیرش نیز کمال مراقبت را در تدارك خوشگذرانی و عشرتجویی مخدوم خود میکرد.

xalvat.com

در این زمان بدستور (انجمن شناخت هند) در لندن زن وشوهر دست آموز و تربیت یافته‌ی راه هند را پیش میگیرند تا ظاهراً از سرزمین شگفت آور هند دیدن کنند.

مستر بروک همسر زیبا و لوند و فتنه گر خود را با دوست محمد خان آشنا میکند گوشت را بدست گر به میسپارد، خود بسیاحت میبرد، برای تجسم کاملتر و استادانه این صحنه بهتر است قلم بدست نویسنده فقید فخرالدین شادمان بدهیم از خامه سحر او داستان بدام افتادن دوست محمد خان را گوش کنیم:

(صبحگاهی نواب از خوابگاه خویش بیرون آمد و بی اختیار بجانب اطاق میسز بروک رفت، از روزن در او را نگاه کرد نیمی از بدنش را زیر حریری سفید دید، پستانش از چاک پیرهن بیرون افتاده موئی پریشان کمی از سینه بلورینش را پوشانده دست چپش چشم و



ابروی راست را از دیدگان نواب پنهان کرده بود. در آن حالت چنان می نمود که گویی ماه با هزار غنچ و دلال از زیر آبرسفيد بیرون می آید. قلب دوست محمد خان بدیدن آنکه بی خبر از حال او در میان بستر آرمیده بود طپیدن گرفت دست بدرزد. میسز بروك سراسیمه از جا بیرون جست در را باز کرد. ناگهان چشمش بنواب افتاد، رنگ از رخسارش پرید و اندامش را لرزه گرفت دوست محمد خان چند دقیقه حیران و سرگردان بود عاقبت پرده آراهی و سکوت را پاره کرد و مقابل آن خداوند جمال بسجده افتاد و بعد مثل بنده ای گنهگار دامنش را بدست گرفته اشک میریخت و پایش را می بوسید و در میان اشگباری میگفت: ای آرام دل بیقرارم چگونه میتوانم روی خوب ترا بینم و عاشق نباشم آیا ترا که از ماه زیباتر و از گل لطیف تر و از عشق پاکتری برای آن آفریده اند (فرستاده اند!) که بهندوستان بیائی و جوانی را تیره بخت کنی و بروی؟ چه سخت در اشتباهی من از چنین گنجی خداداده! نمیگذرم، ای نازنین من، چندین سختگیر مباش، جانم و هستیم همه در اختیار تست، نواب از این قبیل سخن چندان گفت که خسته و درمانده شد، پس خاموش گشت آنگاه بجمال منظور یکبار دیگر نظر انداخت مثل ابربهار کریست حاصل این همه سوز و گداز آن روز يك بوسه جانانه بود. عاقبت میسز بروك، دوست محمد خان را کامروا ساخت دل او را بدست آورد و بادل او کتابی گرانها که مجموعه تاریخ حکمرانی ایران در هندوستان بود از



چنگش ربود ...)

حال این فتنه گر استعمار نواب را کجا کشاند سخن دراز را
مقراض میکنیم و (سن تیز نقشه ابلیس غرب) را چنین پایان می بخشیم:

(دوست محمدخان آرزومندست که خدا یکبارہ او را
از رنج ملک داری خلاص کند تا دیگر نه گفته های
مراقب الملک را بشنود و نه وقت خوشی خود را به
رسیدگی کارهای مملکت مکرر سازد . در انتظارست
که کاروان با کفایتی بیاید رشته امور را در دست
بگیرد و بقدری که مخارج شهوترانی او را کفاف کند
باو بدهد تا بتواند با خیال آسوده روز و شب ممت و
خراب باشد)^۱

استعمار خواست شاهزاده هوسران را بر آورد با فرستادن
(ربرت کلایو) فرمانروای کاروان با کفایت هند ! آنرا از رنج
ملک داری خلاص کرد .

xalvat.com

سران جنگ جهانی در کاخ فونتن بلو

ولی در ایران نتوانستند چنین کاری کنند چون در زمان
صفویان و بویژه دوران طلائی شاه عباس قدرت ملی ما متمرکز و در



شخصیت یک فرد متجلی شده بود، راه یافتن به درون چنین دژ استوار کار آسانی نمی بود .

xalvat.com

واترز شاگرد کار کشته و تعلیم یافته استعمار در پوشاک بازرگانی در شیراز به آنتریک و زمینه سازی سرگرم بود . با نقشه و برنامه دقیق حساب شده در کمین سردار ما بود .

تزواترز از لحاظ کلی (محو و نابودی امامقلی خان) مورد تصویب لندن قرار گرفت؛ ولی چون می دیدند شاه و سردار چون دومغز دریک پوست هستند کوچکترین خلی در روابط آن دو نمیتوان پدید آورد دندان روی جگر گذاشته بودند. انگلیسها آدمهای تودار. پرحوصله و بردبار هستند، در دشواریها خود را نمی بازند، بیهوده و بی حساب از کوره در نمی روند و چون میدانند در همیشه بیک پاشند نمی چرخند و حوادث را بکام میگیرند .

گوئی این شعر حکیمانانه شیخ شیراز را آویزه گوش خود کرده دستورالعمل خویش قرار داده اند .

هر که با فولاد بازو پنجه کرد

ساعت سیمین خود را ز پنجه کرد

باش تا دستش ببندد روزگار

بس بکام دوستان مغزش برآر

برای شناخت بهتر اندیشه و تاکتیک موزیانده امپریالیسم بهتر است این واقعه سیاسی را که ژیلبرت رفود در مجله ریدرز



۱۵. بیچست نوشته است بخوانید :

(در جولای ۱۹۴۰ وقتی انگلستان در میدان نبرد جهانی با دشمن پیروزمند تنها میماند ، فرانسه شکست میخورد . کنفرانس سری در پاریس بوجود میاید سه نفر سران جنگ جهانی (چرچیل هیتلر ، موسولینی) در قصر فونتن بلو بگفتگو می نشینند . هیلتر باغرور و اطمینان هر چه بیشتر به چرچیل پیشنهاد میکند . حال که سر نوشت جنگ معلوم است بزرگترین نیروی اروپا و متفق انگلیس ، فرانسه شکست خورده است ، برای جلوگیری از کشتار بیشتر بهتر است انگلستان قرارداد شکست و تسلیم را امضاء کند تا جنگ متوقف و صلح به جهان باز گردد . xalvat.com چرچیل میگوید : بسیار متأسفم که من نمیتوانم چنین قراردادی را امضا کنم ، چه هنوز انگلستان شکست نخورده است و شمار افاتح نمیشناسم هیتلر و موسولینی از این گفته نخست وزیر انگلستان عصبانی میشوند بتندی با او گفتگو میکنند .

چرچیل باخونسردی میگوید : بیهوده عصبانی نشوید انگلیسها به شرط بندی خیلی اعتقاد دارند . آیا حاضرید برای حل قضیه باهم شرط ببندیم در این شرط هر که برنده شد باید بپذیرد جنگ را نیز خواهد برد ؟

سران فاشیست و نازیست با خوشروئی قبول کردند آنان که در جلو استخر بزرگ کاخ معروف فرانسه نشسته بودند چرچیل گفت



آن ماهی بزرگ را در استخر می بینید هر کس آن ماهی را تصاحب کند برنده جنگ است هیتلر فوراً پارابلوم خود را از کمر کشید باینسو و آتسوی استخر پرید شروع بتیراندازیهای پیاپی بماهی گذاشت ولی سرانجام بی نتیجه و خسته و مانده در صندلی خود جای گرفت به موسولینی گفت تو شناگر قابلی هستی حالا نوبت تست .

دوچه ایتالیا لخت شده به استخر پرید ساعتی تلاش و تقلا کرد او نیز خسته و مانده بر صندلیش جای گرفت .

همینکه نوبت به چرچیل رسید صندلی راحت خود را کنار استخر گذاشت لیوانی بدست گرفت در حالیکه با تبسم سیکار برک خود را دود میکرد شروع به خالی کردن آب استخر گذاشت .

رهبران ایتالیا و آلمان که میخواستند به بینند نخست وزیر سالخورده و چاق و سنگین انگلستان در برابر آنان چه تاکتیک جهت صید ماهی پیش خواهد گرفت وقتی او را در چنین وضع دیدند باشگفتی

و حیرت پرسیدند :

xalvat.com

چه میکنی ؟

چرچیل با تبسم گفت : من عجله برای شکست دشمن ندارم با حوصله این روش مطمئن و صددرصد پیروزمند خود را ادامه میدهم سرانجام پس از تمام شدن آب استخر بی آنکه صدمه ای به ماهی بخورد صید از من خواهد بود .



جاسوس عاشق پیشه

روی همین خضیله دیرین (واترز) تدارك نقشه طویل‌المدت
علیه امامقلی می‌بیند .

در دستگاه امامقلی خان نوکری بنام مهدی خدمت میکرد که
او را فرزندی بنام عبدالله بود ، عبدالله جوانی باهوس تیزپرور و بیکار،
xalvat.com
بود .

در این روزها در گذر بهرام خان شیراز شخصی بنام حسن کور
زندگی میکرد که در سرگرم ساختن و تفریح جوانان اشراف و
پولداران شیراز استعداد ویژه‌ی داشت . شراب ناب خلار شیرازی
ترياك خالص خراسانی ، اسباب عود و دف و تار و طنبور ، رقاصگان
ساقیان زیبا روی نرینه و مادینه ... فراهم کرده بود .

بظاهر این مکان صورت بزم را داشت ولی در باطن کانون
سیاست ، حل و عقد امور بود . همانطوریکه در همه جا زیرکان سیاست
از این مراکز استفاده می‌کنند . چنانچه چند سال پیش دیدم
چگونه در انگلستان یکی از این کانونها گروهی از سیاست‌پیشگان را
بنام انداخته و رازهای سیاسی بدشمن رسانده بود آنروز هم خانه
(حسن کور) و پارتی پوششی استعمار، دارای برنامه‌های ضد ملی بود.
عزیز یهودی پسرک زیبا و ساقی عاشق پیشه، خودیکی از دست
آموزه‌های استعمار بود که با نقشه واترز کام بگام پیش میرفت .



(واترز) خود هر شب در لباس بازرگان گرجی پولداری به این بزم می آمد ای بدمی میالود ولی حساب کار را در دست داشت ، آن نقشه ای که با مهارت طرح کرده بود بدست عزیز یهودی و سایر گردانندگان پیاده میکرد .
xalvat.com

نقشه در دست انجام (هیپنوتیزه کردن) عبدالله پسر مستخدم ویژه امامقلی خان بود ، بر طبق نقشه، عزیز یهودی روی عبدالله کار خود را شروع کرد، از می های رایگان و اضافی به عبدالله میرسانید ، با عشو و کرشمه خاص پسرانه او را بسوی خود میکشید .

جوانک بلهوس و تیزشهووت این تظاهرات را ناشی از دل بستگی و شیفتگی طبیعی عزیز بخود دانسته مسحور و مفتون او گردید . عزیز همینکه قلب عبدالله را تسخیر کرد ، دوری و نامهری و بی اعتنائی خود را نسبت باو آغاز نمود ، این عمل بیشتر آتش محبت عبدالله را تیز کرد .

اینجا بود که واترز واسطه آشتی و نزدیکی آندو شد .

تمناهای مالی عزیز از یک سو ، ابراز خصوصیت واترز (بازرگان گرجی) به عبدالله از سوئی ویرا بر آن داشت از واترز ، پول قرض کند خرج ساقی لوند نماید .

آنکه شیران را کند روبه مزاج

احتیاج است احتیاج است احتیاج

از قدیم گفته اند پول بده فرمان بران ، بسیار دیده ایم که



زوبهان سیاست باسکه‌های زرد و سفید محکمترین ایمانها و آرمانها را خریده‌اند. زوبهان سیاست ابتدا در لباس دوستی و کارکشائی مالی به شیران نیرومند و تهیدست نزدیک می‌شوند بی آنکه کلامی بر زبان آورند بعنوان دلسوزی نیازافراد را برمی‌آورند وهمینکه بازطرف را نرم کردند بتدریج عقاید و نظرات تلفیق و تخفیف می‌یابد بحسب میزان نیازطرف بی آنکه خود شخص کاملاً متوجه باشد عقاید او مورد معامله قرار می‌گیرد. وقتی شیرمعر که مبارزه متوجه دست حریف می‌شود که خود را در زیر زنجیرهای تعهدات مالی زبون و اسیر روباه سیاست می‌بیند، در اینجا او با فروش وجدان بحد یک خود فروش پست تنزل مییابد.

xalvat.com

عبداله نیز این چنین گرفتار و اترز شده بود عزیزیهودی معشوق فتنه‌انگیز او پول می‌طلبید، و اترز نیز سکه‌های زر را که شاید از آن دست دوباره بدستش می‌آمد به عبداله می‌داد ولی این پول دادنها حال که عبداله در میچ عزیزیهودی بود بی حساب نبود. هر چه اخبار گزارشات دقیق و درست و زود از دربار اللهوردی خان میرسید پول هم زودتر داده میشد. کم‌کم کار از خبررسانی به پیاده کردن نقشه‌های کوچک نفاق افکنی، فساد، رشک و حسادت تغییر شکل داده شد.

توفان نزدیک می‌شود!!

توفان زمان بر کهای تاریخ ایران را ورقزد شاه عباس که پایگاه



خدمتگزاران واقعی را گرامی میداشت بمرد محمدعلی بیگ صدراعظم
ضد فرنگی صفوی چهره در نقاب خاک کشید، سام میرزا نواده شاه عباس
جوان ۱۷ ساله بنام شاه صفی در ۱۰۳۸ بجای شاه عباس نشست .

شاه عباس مثل یک شطرنج باز ماهر در عرصه سیاست و مهره ها را
با حساب جا بجا میکرد، او امامقلی خان سردار ضد استعمار و شخص
دوم ایران را بسیار گرامی میداشت همیشه کاری میکرد که او بیشتر
دلگرم بکار خود باشد. با اینکه میدانست او چه در و دربار گسترده و
باشکوه دارد هرگز این زندگی پر جلال و شاهانه سردارش او را
بر نمی انگیخت. بقول تاورنیه خود شاه عباس زمانی بر سبیل مزاح به
امامقلی گفت دلم می خواهد تو روزی یک عباسی کمتر از من خرج کنی
تا مردم بدانند که میان پادشاه ایران و خان شیراز مختصر تفاوتی
وجود دارد (۱)

xalvat.com

در زمان شاه عباس گروهی که در رأس آن مادر شاه و اعتماد الدوله
ودو درباری دست آموز و خود فروش استعمار (کلعلی مازندرانی ،
حسین خان تبریزی) قرار داشتند جناحی علیه امامقلی خان تشکیل
دادند ولی از ترس شاه جرات کوچکترین اقدام نداشتند، ولی پس از
مرگ او اینان همه دست بکار شدند در سیاست بعقیده نگارنده خود
خواهی و افزون طلبی ، رشک و حسادت عوامل مهمی هستند که اگر



هم‌زمان و همفکران این میکر بها را دزخود نکشند آنها توده‌های نرم اندیشه و خرد آدمیان را می‌جوئند، از یار دیروز دشمن نابکار امروز می‌سازند .

xalvat.com

واترز ده سال باپردباری و شکیب همه‌چیز درباریان صفوی را زیر نظر گرفت، اوباکاوش عقده‌ها و کینه‌ها و مختصات درونی رجال صفوی کار خود را با دقت و مهارت علیه امام‌قلی‌خان آغاز کرد .

در میان درباریان صفوی دو تن بیش از همه با سردار دشمن می‌بودند. به‌جاء و پایگاه و ثروت و قدرت فاتح هر مزرشک می‌بردند. این دو تن حسین بیگ تبریزی و کلبعلی بیگ مازندران می‌بودند ، واترز خیلی بطور طبیعی، ابتدا غیر مستقیم و سپس مستقیم با این دو تن آشنائی یافت و چون خوب آنانرا شناسایی کرده بود حس رشک و خودخواهی آندو را علیه سردار برانگیخت. سپس بازبان دوستی و دلسوزی راه مبارزه و پیشی‌جستن بر سردار را بر آنان نشان داد. واترز بوسیله عبدالله کاملاً این دو تن را تحت نظر کسرفته بود، تمام نیروی ابتکار و اندیشه خود و پللیتیک ویژه نژاد انگلوسا کسون را بکار می‌برد تا از این تنها وسیله‌ایکه پیدا شده امام‌قلی دشمن آشتی ناپذیر و یک‌دنده امپریالیسم باختر را (ناک‌اوت) کند .

شاه‌صفی

شاه‌عباس با همه کمبودها که داشت خدمتگزار را بخوبی گرامی



میداشت نابکار را به کیفر عملش میرساند و چون میدانست امامقلی خان چه اندازه با استعمار مخالف است در بستان جنوب ایران را در اختیار او گذاشته بود ، امامقلی خان نیز برای اثبات کاردانی و توانائی خویش قوای سهمگین فراهم کرده بود (همیشه از بیست و پنج هزار تاسی هزار سوار زبده مجهز جنگاور در اختیار داشت) (اطمینان و اعتماد شاه عباس باین سردار فداکار بدان حد بود که در دوران حکومت وی هرگز بفارس نرفت ، امامقلی خان را در اداره قلمرو حکومت خویش کاملاً آزاد و بی رقیب گذاشت ... قدرت او در فارس و قلمرو حکومتش بحدی بود که مردم آن ولایت احکام او را بیش از احکام شاهی محترم می شمردند و چون شاه عباس از آغاز حکومت وی هرگز بفارس نرفته بود مردم او را پادشاه حقیقی خود میدانستند بهمین سبب گاه برخی از احکام در فارس اجرا نمیشد)

خصایص رهبری خوب یعنی همین ها ، بی اینکه دشمنان درباری رقیبان داخلی و عمال خارجی بتوانند شاه را وسوسه کنند او از وجود يك شخصیت برتر و با استعداد ملی بتواند این چنین بسود ملك و ممالک بهره برگیرد و باز این از مختصات يك رهبر خوب است که دارای آن اندازه قدرت جذب باشد سردارانی مثل امامقلی خان را با آن همه

xalvat.com

۱ - لغت نامه دهخدا مجلد اول - ای صفحه ۱۴۳

۲ - زندگانی شاه عباس ۹۹ - ۹۸



قدرت مالی و نظامی و شخصی چنان در اختیار گیرد که چون سر بازی
 گوش بفرمان پادشاه باشد .
xalvat.com

ولی همینکه شاه عباس مرد ، تمام این حسابها بهم خورد، بجای
 او شاه صفی به تخت نشست (بزودی نشان داد که هیچیک از صفات
 نیک و شایسته جد خود را وارث نبرده است^۱) در اندک مدتی دربار
 صفوی و سازمان سیاسی آنروز از وجود سران میهن پرست خالی شد ،
 تقی خان اعتمادالدوله و مادرشاه که از دشمنان امامقلی خان بودند در
 وجود شاه نفوذ یافتند . کلبعلی بیگ دشمن درجه يك امامقلی خان
 بعنوان ایشیک آقاسی رئیس یساولان و ایشیک آقاسیان ، قاپوچیان
 دیوانشاهی و مسئول نظم و نسق دربار و حسین بیگ تبریزی، دیگر
 دشمن سردار بعنوان ناظر دربار به شاه تقرب جستند . از خبر این دو
 انتصاب اخیر جان و دل دشمن خونخوار سردار غرق شادی گردیدند
 کار امامقلی خان را پایان یافته شمرد .

در رژیمهای فردی و منارشیستی بزرگترین قدرت در دست
 مقربان شاه است و چون فرمانروا روابط قانونی و رسمی با مردم ندارد
 چشم و گوش شاه همین مقربان هستند پیرامونیان شاه اگر خدای
 نکرده آموزگارانی خدعه گر داشته باشند در اندک مدتی شاه را چون
 نکینی در دست خواهند گرفت، بهر سو بخواهند او را خواهند چرخاند.
 دشمنی دیرین این دو تن با امامقلی خان و دست اندکار بودن معلمی



زیرک و نقشه کش و کینه توز بمانند واترز عینک بدگمانی را بر چشمان شاه صفی نهاد، او را هر روز به امامقلی خان بدبین و از وجودش بیمناک ساخت .

xalvat.com

یکی از عواملی که در پدید آوردن این بداندیشی کمک بزرگ کرد . وجود فرزندی از شاه عباس بنام صفی قلی در دربار حکمران فارس می بود ، شاه عباس روزی در منتهای قدرت خویش وقتی از امامقلی خان خیلی خوشش می آید طبق سنت درباری یکی از زنان سوگلی حرم خود را به امامقلی خان می بخشد ، این زن که از شاه عباس بچه ای سه ماهه در شکم داشت در شیراز این پسر رامی زاید، امامقلی خان او را صفی قلی خان نام میدهد، صفی قلی خان، امامقلی خان را بمثابة پدر خود میدانست ولی فرزند حقیقی شاه عباس بود .

هم فرزندشاه وهم فرزند سردار !!

صفی قلی خان باتبار صفوی و آموزش امامقلی در شیراز بزرگ میشود، شخصیت نظامی و سیاسی فوق العاده ای از آب درمی آید . درست در روزهاییکه ابرهای سیاه خیانت و جاسوسی افق روابط سردار را با شاه صفی تیره میکنند (روزی که امامقلی خان با صفی قلی خان و سرداران بهمراه شاه صفی در حول و حوش شیراز بشکار مشغول میبودند صفی قلی خان به پدر خود امامقلی خان نزدیک می شود میگوید اینک موقع کار رسیده و باید یکی از ما دو نفر شاه بشویم من الان میروم



سر شاه صفی را می آورم) ولی امامقلی خان با پر خاش و تندى با قصد صفی قلی خان مخالفت میورزد این عمل را خیانت بملکت و ملت میدانند . بظاهر حق با صفی قلی خان بود، او که شاهد و ناظر شخصیت برتر امامقلی خان در دستگاه شاه عباس می بود و دیده بود شاه بزرگ صفوی چگونه پاس حرمت او را داشت؟ حالا برایش تحمل ناپذیر و ناگوار بود به بیند شاه صفی برادر زاده بی ادراکش نسبت به سردار بی حرمتی میکند . ولی امامقلی خان که سردار کار کشته و اندیشمند می بود گوئی بفرست دریافته بود آنهائیکه دنبال فرصت میگشتند اینک همه متفقاً درصدد نابودی او هستند از این رو بسیار محتاطانه و خردمندانه عمل میکرد، در عین دوری و گریز از دخالت در سیاست کسان خود را از هر گونه کردار بدگمانانه و شبهه ناک بر حذر میداشت، تا بهانه ای دست مخالفان نیفتد .

xalvat.com

ما به پای خود به قتلگاه میرویم !

دفتر تاریخ بتندی علیه میهن پرستان و مبارزان استعمار ورق می خورد، روز بروز شاه نسبت به فاتح هرمز بدبین و بر اثر تلقینات مغرضانه دشمنان به وی بیمناک میشد و با خود می اندیشد امامقلی در صدد تدارك مقدمات عصیان علیه اوست .



گذشت زمان فرصت خوبی به انگلیسها داده بود تا از ده سال پیش با حوصله مشغول زمینه‌سازی و با اصطلاح خالی کردن آب بر که سیاست باشند اینک بزرگک نهنک استعمار خوار دریای جنوب زادر تنگنا قرار دهند او را بچنگک صیاد خون آشام سپارند تا از گوشت مطبوع او برای دزدان دریائی لقمه‌های لذیذ تهیه شود ،

امامقلی خان که دریافته بود بارفتن شاهعباس استعمارگران در خلیج بتکاپو افتاده‌اند در صدآن بود باردیگر ضرب شستی به آنان نشان دهد تا فیلشان یاد هندوستان نکند .
xalvat.com

دشمن لحظه حساس و خوبی را برای ضربه به ایران برگزیده بود، زمانی که بدنبال اسباب چینی‌ها و توطئه‌های گسترده داخلی سلطانمراد خان ، سلطان عثمانی به مرزهای ایران یورش آورده بود این هجوم بیش از پیش شاه صفی را از وجود سردارانگران ساخت، در نتیجه او را از فارس فرا خواند .

امامقلی خان که پی به دسایس استعمار در جنوب برده بود در آغاز بقول مورخ صفوی (به بهانه اینکه فرنگیه پرتگالیه اراده آمدن به هرمز را دارند از آمدن عذر خواست^۱) و چون اندیشید دشمنان ممکن است از این تأخیر حرکت سوء استفاده کنند شاه را بیشتر بدگمان سازند راه پایتخت را پیش گرفت .



(یکی از معاصرین شاه صفی مینویسد که چون امامقلی خان آماده حرکت شد پسرش صفی قلی خان باو گفت : پدر ما به پای خود بقتلگاه میرویم . خان جواب داد شاید حق باتو باشد اما من تا امروز هرگز بر پادشاه خود یاغی نشده و از اطاعت فرمانش سرپیچی نکرده‌ام تا دم مرگ نیز مطیع فرمان او خواهم بود)^۱ این چنین سردار قهرمان ضد استعمار و وفادار ایران بنزد شاه صفی آمد .

xalvat.com

توطئه خونین !!

« امشب در میدان سعادت آباد قزوین بساط سورا و سرور گسترده است . رقاصان پای میکوبند ، مطربان سرود میخوانند ، نوازندگان ساز میزنند ، خروش تار و طنبور به آسمان میرود . این يك شراب مینوشد . آن يك نقل میدهد ، یکی ساقی خوب روی جام بدست پیاله گردانی میکند ، دیگری شاهی گیرنده چشم هنگامی دل میبرد ، در مجلس غیر از شمع و جام که بر گذشت عمر گریه میکند چشم اشکباری نیست .

هنرمندان شهر قزوین همه در میدان جمعند و در حضور شاه صفی شاهکار خود را نشان میدهند محمود بندباز ، لطفاله آتش افروز ، لوطی کریم حقه‌باز و مسلم پهلوان یکا يك پیش می‌آیند ، زمین را



مقابل شاه می بوسد میدهند ، آنگاه بهنر نمائی مشغول میشوند و بعد
با اشاره حسین بیک شرط تعظیم بجا آورده میروند .

زلیخای گرجی جامه ای آسمانی رنگ در بر کرده جام بدست
گاه حرکات بانشاط انگیزی میکند و گاه بجنبش نیمی از بدن قلب
تماشائیان را می لرزاند .
xalvat.com

امامقلی خان بیگلربیگ فارس در گوشه ای نشسته به رستم
مازندرانی میگوید : من باید بروم ، دیگر نمیتوانم شراب بخورم ،
دورما گذشته است می نوشیدن و شادمان بودن بکسانی ارزانی باد که
نزد شاه مقرب و بعنایت او امیدوارند . شاه عباس کجاست تا ببینند بافتح
کننده هرمز و سپهسالار او چگونه رفتار میشود ؟

من يك عمر به خاندان صفوی خدمت کردم ، همه سختیها و
دشواریها را بجان خریدم ، هیچوقت بدشمن پشت ننمودم . و تا الان
سرموئی بولینعمت خود خیانت نوردیده ام ، پیاداش این زحمت ها امشب
مرا در بزم شاه زبردست کابعلی خان نشانده اند که هنوز اسب سواری و
تیراندازی نیاموخته است .

چون سخن امامقلی خان باینجا رسید رخسارش بر افروخت
آنگاه بی اختیار برخواست شرایط تعظیم بجا آورد ، از شاه مرخصی
گرفت و از مجلس بیرون رفت .

رستم خان از این رفتار اندیشناك شد زیرا سبب احضار کردن
امامقلی خان از شیراز و تحقیر او هیچیک را نمیدانست .



سرهای بریده !!

وقتی امامقلی خان از مجلس خارج شد حسین بیگ که دشمن دیرین او بود نزد شاه رفت و گفت چنانکه عرض کرده‌ام بیگلر بیگ فارس دیگر سر خدمت کردن ندارد و گرنه چرا باید پیش از همه برود؟ و از این گذشته مردم خبر تازه‌ای از حمله سازه‌های او و خویشاوندان او همدستانش میرسد، الان کاغذی در دست هست که خیانت خانوادگی را ثابت میکند.

xalvat.com

شاه بشنیدن سخن غضبناک شد، اندکی فکر کرد، آنگاه آهسته در گوش حسین بیگ چیزی گفت و باز خود را بغنج و ذلال زلیخای گرجی مشغول ساخت.

پس از قلیل مدتی سکوتی ناگهان مجلس را فرا گرفت چشمهائی که بشاهد و ساقی بود همه بجانب شاه نگران شد، شاه صفی اندیشناک و خشمگین ورقه‌ای که در دست داشت میخواند کاغذ خواندن بیوقت شاه همه را متعجب کرد خاموشی و توجه حاضران را شاه دریافت پس حسین بیگ را نزدیک خویش خواند و کمتر از یک دقیقه با او سخن گفت و کاغذ را بوی سپرد.

لحظه‌ای چند از این پیشامد گذشت شراب گذشته را از یاد برد و دیگر بار با ساز و آواز غلغله‌ای برپا کرد. در میان این شور و هیاهو صفی قلیخان و فتحعلیخان و علیقلی خان سه‌پسر امامقلی خان نیز به



xalvat.com

امامقلی خان فاتح هرمز نخست قربانی استعمار
نفل از کتاب (مینیاتور سازی ایران و اسلامی تالیف والتر شولتس)



پیروزی پدر که نیمساعت پیش رفته بود برخاستند و از مجلس خارج شدند .
xalvat.com

حسین بیگ و فرامرزخان شاملو و رضا بیگ قزوینی در عقب ایشان رفتند . برادران هنوز صد قدم راه طی نکرده بودند که ناگهان عبدالله (دست پرورده واترژ) از میان تاریکیها پیدا شد خود را پیاپی صفی قلیخان انداخت و گفت : ای پسر ولینعمت من، مرا بکش و روحم را از شکنجه‌های سنگین خلاص کن، مرا بکش زیرا خیانتی کرده‌ام که ننگش تا ابد بر دامنم خواهد بود ای صفی قلیخان دشمنان پدرت کاغذی باسم عمویت داودخان ساخته و در آن نوشته‌اند که از شاه عباس فرزندی در دست امامقلی خان هست و می‌خواهد او را به پادشاهی بردارد .

این کاغذ بتقلب ساخته را من که گوشت و پوستم بنان و نمک شما پرورش یافته است آوردم. حسودان آنرا بشاه نشان دادند و ساعتی پیش شاه آنرا خواند و یقین دارم که این کاغذ خاندان شما را برباد می‌دهد ، هنوز سخن او تمام نشده بود که حسین بیگ و فرامرزخان و رضا بیگ رسیدند . اول سه برادر را از یکدیگر جدا کردند و بعد ایشانرا کشتند و سرهای بریده‌شان را نزد شاه بردند .

سرهای از بدن جدا شده سه جوانی که يك ساعت بیشتر در مجلس نشسته و گویان و خندان بودند الان برابر شاه صفی روی زمین افتاده است در این چشمهای سیاه که گیرند کیهاد داشت دیگر از زندگی



هیچ اثری نیست کاشکی غضب شاه صفی بریختن خون سه بیکنام
 فرو می نشست، اما افسوس که دیدن این منظره هولناک خوی درندگی را
 که در نهاد انسان آفریده اند بر انگیخت زیرا علیقلی بیگ امیر
 دیوان و داود بیگ گرجی و کلبعلی بیگ مأمور شدند که سر امامقلی
 خان را ببرند و بحضور شاه بیاورند ایشان نیز رفتند و زود باز گشتند
 و سر پدر پهلوی سرهای پسران گذاشتند، مجلسی که پاسور شروع
 شد با غم و اندوه بسر رسید. در چشم حاضران اشک حلقه زده بود،
 دو بدو سه و سه آهسته و بریده بریده با یکدیگر سخن می گفتند،
 دلاوری امامقلی خان و نیکمردی فرزندان او را بیاد می آوردند و بر کشته
 شدن ایشان تأسف می خوردند (۱)

تا اینجا آنچه که از نحوه کشته شدن نخست قهرمان ضد استعمار
 ما و فرزندان شنیدید از خامه توانای و خیال انگیز نویسنده فقید
 (شادمان) بود، حال به بینیم اسناد سیاسی و کتابهای تاریخی وقوع این
 جنایت بزرگ را چگونه ثبت کرده اند.

xalvat.com

کودتای ساختگی

اسکندر بیگ ترکمن تاریخ نویس صقویان ریشه این توطئه را به
 اختلاف بین خاندان قاجار و داودخان برادر امامقلی خان میرساند.



داودخان ازسوی پادشاه صفوی مأمور آذربایجان میگردد و پس از برکناری زیاد اوغلی قاجار بیگلربیگی قراباغ، خود بجای او می نشیند، قاجاریان این کار را پهل میگیرند، درصدد محو قدرت امامقلی خان برمیایند.

xalvat.com

سعیاتها و اخبار مجعول و دزوغ قاجاریان در شاه صفی بتدریج اثر میکند، بطوریکه در مجلس بهشت آئین، داودخان که از آذربایجان دعوت شده بود مورد خطاب و عتاب قرار میگیرد.

داودخان از عمل ساه رنجیده (بنی رخصت راه قراباغ را پیش میگیرد و نواب این خرکت با حمل بر جهل و غرور او کرده بتغافل شاهانه میگذرانیدند^۱)

روش ملایمت آمیز داودخان در سرکوبی طهمورث یکی از سرداران خود سر آذربایجان و کشتار عمومی قاجاریان در آذربایجان باعث تحریک کامل قاجاریان متنفذ و اطرافیان شاه و بدگمانی به داودخان میشود و در نتیجه محمد قلیخان زیاد اوغلی قاجار به فرمانروایی قراباغ تعیین میگردد.

در چنین لحظه خاص به شاه صفی گزارش میکنند داودخان میگوید (پادشاهزاده ای از صلب شاه گیتی ستان در فارس نزد امامقلیخان برادر من است که او

۱ - ذیل عالم آرای عباسی خطی ۱۳۸ (کتابخانه مرکزی دانشگاه



را باسم دیگری موسوم ساخته نام فرزندی خود بر او
 نهاده در زمره فرزندان اوست و برادرم تمام ممالک
 فارس و بحرین و لار و هرمز و خورستان و
 عربستان و هویزه را در تحت تصرف دارد و بی
 موازی پنجهزار کس در آن ولایت فرمانرواست و
 عنقریب در آن ولایت خطبه و سکه باسم او و لقب آن
 پادشاهزاده آرایش خواهد یافت و من حسب الصلاح
 برادر باین امور اقدام نموده‌ام (۱۰۰۰)

از فحوای این گزارش و نامه پیداست این سند ساختگی می‌باشد،
 چه اگر نقشه چنین می بود چرا امامقلیخان کماکان فرمانبرداری می‌کرد؟
 وقتی صفی‌قلی خان در فرصت مناسب می‌خواست شاه صفی را بکشد خان
 مانع کار او می‌شود.

xalvat.com

و تازه اگر تمام این دسایس درست باشد آدم عاقل پیش از اقدام
 اقرار به گناه خود نمی‌کند، دادخان که سیاستمداری پرسابقه بود
 هرگز بیش از اقدام برادر لازم نمی‌دید از برادر را که با سر نوشت او
 نیز پیوستگی داشت فاش سازد،

دلیل روشن بر ساختگی این گزارشات نظر اسکندربیک مورخ
 صفوی است با اینکه او خود از درباریان فرمانبردار شاه صفی بود

۱ - عالم آرای عباسی و ذیل آن جلد سوم (خطی) - کتابخانه مرکزی



درباره تأثیر این گزارشات چنین به بی اساسی آن نظر میدهد (از مضمون مکاتیب هر چند برخلاف واقع باشد نقار خاطر اشرف از دیاد یافت^۱) و اما نحوه کشتن امامقلی و فرزندان او را بهمان ترتیب که یادشد در اول جمادی الثانی ۱۰۴۱ ثبت می کنند .

xalvat.com

۵۲ قربانی وطن

می نویسند پس از آنکه سرهای بریده خان و کسانی را در طبقی زرین نزد شاه آوردند . وی سرها را بحر مخانه نزد مادر خود فرستاد (^۲) این خود دلیل تأییدی نظر پیشین ماست که مادر شاه در توطئه دشمنان علیه جان امامقلی خان شرکت داشت و یادست کم با سردار خوب نبود و از دیدن سر او شاد می شد .

تاورنیه عقیده دارد همه فرزندان خان بجز دو کودک شیرخوار را کشتند . تعداد قربانیان این حادثه و یاران و کسان سردار را ۵۰ نوشته اند که برخی را کشته و بعضی را کور کردند (^۳) و یا بقول مورخ صفوی (میل کشیده از دیدن عاطل گردانیدند^۴) شاه صفی بی درنگ پس از نابودی بزرگترین سردار ضد انگلیسی ایران از

۱ - عالم آرای عباسی خطی جلد سوم صفحه ۱۲۸ .

۲ - ذیل عالم آرای عباسی ۱۲۸

۳ و ۴ - زندگانی شاه عباس : نصرالله فلسفی ۳۹۳ - ۳۹۴ .



ژنس نافرمانی و غصیان مردم فارس (اغورلوخان ایشیک آقاسی را
بعنوان حکمران همراه میرزا محسن وزیر و فولادبیک سردار)
به فارس می فرستد برای قطع کامل نفوذ، تمام هستی سردار و کسانش را
ضبط می کند .

آدم اولتاریوس Adam Olearius سفیر فردریک دوک
هلشتاین که در سال ۱۰۴۶ در ایران می بود، این قتل عام مخفیانه را
تأیید کرده است .

xalvat.com

سند موزه انگلستان

و اما در مورد توطئه استعمار گران انگلیسی گفته می شود
جان ودل ژنرال کنسول شیراز ترتیب این توطئه را میدهد سردار
و فرزندانش بدست همکاران او حسین بیک تبریزی و کلبعلی بیک
مازندرانی (مقربان شاه) کشته می شوند، مدرك این جریان در موزه
فرهنگی انگلستان موجود است که کتابی بداسم راه هند بفارسی
ترجمه و نسخ آن خیلی کم یاب است (۱) این انتقام استعمار از
فجیع ترین و وحشیانه ترین جنایات تاریخ بشری بشمار میرفت .
بنا بنوشته تاریخ نویسان و پژوهشگران ، شاه صفی کار پیشرو می
را بدانجا کشاند که برادرزاده سردار را بدست مهتران اصطبل شاهی



و جلادان می سپارد (با او هر چه! بخواهند بکنند ^۱) همان کاریکه بعداً آقا محمدخان قاجار آن عمل ضد انسانی را با لطفعلی خان زند کرد و بقول فسائی (تر کمانا ترا فرمود تا با آن نادره زمان معامله قوم لوط نمودند ^۲) و یا بنوشته سرهارفورد جونز (آنچنان رفتار شیعینی کردند که از شدت زشتی و هولناکی بر زبان نمی آید ^۳) شاید هم آقا محمد خان از شاه صفی اینکار زشت را یاد گرفته بود. نه اینک دیکتاتورها و زور گویان فراگیرنده زشت ترین کارهای ضد انسانی از یکدیگر هستند.

xalvat.com

بهر حال این بود محتوای نخست پرونده سیاه استعمار در باره نخست دزمنندگان حق طلب و دلادر ما که يك سردار بزرگ پرافتخار با ۵۲ سر باز ضد استعمار بوضع فجیعی محکوم بمرگ شد.

راه نفوذ استعمار

دیکتاتورها همیشه به دنبال يك اشتباه بمنظور جبران اشتباه آنقدر دست به نابکاریهای چندی می زنند که سرانجام با وضع ننگ باری تباہ می شوند.

۱ - زندگانی شاه عباس ۳۹۵

۲ - فارس نامه ناصری ۲۳۹

۳ - آخرین روزهای لطفعلی خان ۶۹



xalvat.com

شاه صفی پس از کشتن امامقلی خان متوجه کار زشت خود می‌شود، از ترس و اکنش مردم خونهای بسیار دیگری بر زمین می‌ریزد. سال بعد شاهزادگان صفوی را کور می‌کند، شهبانوی ایران را شکم می‌درد، مادرش را با زنان درباری زنده بگور می‌کند. حتی پس از اینهمه کشتار فرمان کور کردن ولیعهد خویش را صادر می‌نماید. پسران عیسی‌خان قورچی‌باشی و فرزندان میرزا رفیع صدر و میرزا رضی صدر را بقول هدایت (مکفوف و مکحول می‌کند) جمشید سلطان اعتمادالدوله را با چهار فرزندش و طالب‌خان اعتمادالدوله را هلاک می‌کند اعضای بدن اغورلوخان شاملو و قاضی محسن سیاستمدار دانشمند را می‌برد، ردولف اشتادلر دسویسی مرد هنرمند وساعت‌ساز را گردن می‌زند.

باخونهایی که از تن ایران بیرون رفت کم‌خونی و زبونی وطن آشکار گردید، دشمنانی که درباختر و خاور در کمین می‌بودند به مرزهای ایران تاختند، شاه جهان پادشاه هند قندها را گرفت، سلطان مراد خان سلطان عثمانی شهرها و روستاها را ویران، طعمه آتش نهب و غارت کرد، قرارداد ننگین زهاب را بر ما تحمیل نمود. استعمار باختر که به انتظار چنین روزی نشسته بود سال ۱۰۵۱ ه. ق. قشم را اشغال کرد، در خلیج فارس به اعمال نفوذ پرداخت.

ویل دورانت تاریخ‌نویس جهان‌شناس، انگیزه چیرگی انگلیسها را برهند، خودکامگی فرمانروایان، بیدادگری جهانگیر، بی‌بندوباری



شاه جهان ، خشك مغزی و سكتاریسم اورنگ زیب میداند که غیرت
نظامی و قدرت جسمانی اولیه هند را از بین بردند ، راه سلطه استعمار
برقاره هند باز و هموار کردند (۱)



شاه صفی

بی تردید در همین زمان سیاست ضد انسانی و شیوه نابودی
سرداران ملی و سیاستمداران میهن خواه دلاور بوسیله شاه صفی نیز
عاملی می بود که دیپلمات های موبور و چشم آبی کلکته را بر آن
داشت که بر خلیج فارس (دروازه هند) بتازند به وصل معشوق

xalvat.com

۱ - تاریخ تمدن جلد ۲۰ صفحه ۳۶



ایدآل و دیرین (کنارهای مروارید) که سالها بود در آتش دوری آن
می سوختند برسند. سر جان ملکم انگلیسی در باره شاه صفی چنین
می گوید :
xalvat.com

از آب تیغ وی آتش دودمانهای بزرگ فرونشست و از صرصر
قهر او چراغ خاندان های قدیم و معتبر خاموش گشت .
دلی نماند که از بیم او دونیم نشد

سری نماند که از جور او ز پا افتاد .

امرا و بزرگان و وزرای مملکت از هول جان ترك اموردیوانی
گفته به اطراف متواری شدند... ()

اینچنین بر بنیاد نظام بیداد گرانه سلطان جبار و به دنبال يك
فاجعه و قربانی بزرگ ملی عقاب سیهبال استعمار بالهای خود رادر
حساسترین نقاط خاورمیانه بگسترده، تازیانه های بردگی را بر تنهای
خاوریان فرود آورد، (خلیج فارس دریاچه ویژه انگلیسها) نام گرفت.
پایان (جلد اول)

شرح گراور صفحه ۵۱ : امامقلی خان فاتح هرمز نخست قربانی استعمار
نقل از کتاب (مینیاتور ساری ایران و اسلامی تالیف والتر شولتس)



کتابشناسی

- آخرین روزهای لطفعلی خان زند : هارفورد جونز، مترجمان
هما ناطق ، جان گرتی ، تهران امیر کبیر ۱۳۵۳
- اسرار عقب ماندگی شرق : ناصر مکارم شیرازی، تهران ،
بعثت ۱۳۴۸
xalvat.com
- اسناد مصور اروپائیان در ایران : غلامعلی همایون ، دانشگاه
تهران ، ۱۳۴۸
- الیگارشسی یا خاندانهای حکومتگر ایران : جلد اول :
ابوالفضل قاسمی ، دانش و آرمان ، چاپ تهران ۱۳۵۰
- ایران شهر : کمیسیون یونسکو، تهران ۱۳۴۲
- تأثیر سلطنت پادشاهان صفویه در اوضاع ... ایران
پایان نامه خطی ابوالحسن پرویز ، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
- تاریخ تمدن : ویل دورانت .
- تاریخ سیاسی خلیج فارس : صادق نشأت ، کانون کتاب، تهران
۱۴۳۵
- تاریخ هرمز و ملوک آن : احمد توکلی (مجله کاوش)
- خلیج فارس: ارنولد ویلسون. ترجمه محمد سمیدی، تهران ۱۳۴۸
- خلیج فارس : احمد اقتداری ، چاپ ابن سینا ۱۳۴۵

دریاداری ایرانیان : اسماعیل رائین

ذیل عالم آرای عباسی خطی : کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

زندگی شاه عباس : نصراله فلسفی ، دانشگاه تهران ۱۳۲۲

سفر نامه تاورنیه : ژان باتیست تاورنیه ، ترجمه ابوتراب نوری ،

لغت نامه دهخدا : سازمان لغت نامه ، دانشگاه تهران

عظالمعانی در باب (بحرین و جزایر سواحل خلیج فارس)

عباس اقبال ، تهران ۱۳۴۸

عالم آرای عباسی : اسکندر بیک ترکمن ، نسخه خطی کتابخانه

مرکزی دانشگاه تهران

صفویه در دادگاه تاریخ : (مجموعه مقالات پنجمین کنگره

تحقیقات ایرانی) اسفهان ۱۳۳۶

فارسنامه ناصری : حسن فسائی شیرازی ، چاپ سنگی ۱۳۱۴ هـ ق.

xalvat.com

مجله ، روزنامه

چاپ تهران	مجله کاوش :
«	مجله مهر :
«	مجله یغما :
«	روزنامه فردا :
«	روزنامه ناخدا :
چاپ بیروت	روزنامه الانوار :